



## معاونت پژوهش و عملیات مؤسسه آموزش عالی حوزوی مشکات

### هدف

بسنترسازی و تسهیل‌گری جهت قرارگرفتن فعالیت‌های علمی-پژوهشی طلاب در راستای حل مسائل واقعی نظام و انقلاب اسلامی

### اقدامات

۱. ارتباط با مراکز پژوهشی در سطح ملی و جهانی جهت تعیین مسائل پژوهشی و واقعی جهت انعقاد تفاهم‌نامه و قرارداد پژوهشی با گروه‌های تخصصی و اندیشکده‌های مشکات

■ از جمله‌ی مراکز پژوهشی که تفاهم‌نامه انعقاد شده است: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست‌فناوری، بنیاد شهید و امور ایثارگران، بنیاد ملی نخبگان

۲. تهیه‌ی و ثبت مجلات علمی و پژوهشی جهت چاپ آثار علمی و گزارش دستاوردهای علمی-پژوهشی گروه‌ها و مراکز علمی وابسته به مؤسسه آموزش عالی حوزوی مشکات

۳. تهیه‌ی زیرساخت نرم‌افزاری و سامانه جهت ثبت، سنجش و ارائه‌ی آثار و دستاوردهای علمی-پژوهشی گروه‌ها و مراکز علمی وابسته به مؤسسه آموزش عالی حوزوی مشکات



امیر حسین صفاریان

طلبه درس خارج و سطح چهار رشته قرآن و حکمرانی  
مؤسسه آموزش عالی حوزوی مشکات



هادی انصاری پور

طلبه مقطع خارج فقه و اصول و سطح چهار رشته اقتصاد اسلامی  
گرایش پول و بانک مؤسسه آموزش عالی حوزوی مشکات







## اقتصاد مردمی، الگوی اقتصاد قرآنی\*

### چکیده:

امروزه اندیشمندان نحله‌های مختلف در پی آنند تا با تولید نظریات جدید، اقتصاد فروپاشی شده را احیا کنند. قرآن کتابی جاودانه است که ضمن پاسخ به پرسش‌های روز بشری مصون از هر خطا و اشتباهی است، لذا لازم است تا بار دیگر به قرآن مراجعه کرده و نظر او در مورد اقتصاد مطلوب را جویا شویم. نگارنده در تلاش است تا با روش تحلیلی اجتهادی قرآن محور، الگوی اقتصاد قرآنی را استنباط نماید. به نظر میرسد خطوط اصلی اقتصاد قرآنی عبارت است از:

۱. انفاق مردمی در جهت رفع نیازهای نهادهای مردمی با اولویت تقویت پیوندهای رحمی - ولایی

۲. سالم سازی فضای عمومی اقتصادی

۳. کنترل و مدیریت فاصله طبقاتی و مصارف عمومی توسط حاکمیت

از میان موارد فوق، محوریت با مورد اول است. اقتصاد قرآنی، انفاق پایه و در ساختاری با محوریت شبکه‌های خویشاوندی میباشد که در یک کلام میتوان از آن به عنوان اقتصاد مردمی نام برد. در این الگو، تعاملات مالی به جای کسب سود هر چه بیشتر با هدف قرب الهی انجام شده و هر فردی از لایه‌های حمایتی مختلفی از خویشان و نزدیکان تا حاکمیت بهره میبرد که در هنگام ضرورت وظیفه تامین اجتماعی او را برعهده دارند. این لایه‌های حمایتی همچنین سالم سازی فضای اقتصاد را نیز برعهده دارند.

حاکمیت نیز در کنار تامین مالی از جانب مردم، ضمن تامین افرادی که به لایه حمایتی حاکمیت رسیده اند به مدیریت فاصله طبقاتی پرداخته و با توجه به جایگاه تشریحی خود، در محور دوم نیز نقشی مهم ایفا میکند.

### کلید واژگان:

اقتصاد مردمی، اقتصاد قرآنی، شبکه خویشاوندی، انفاق، ساختار اقتصادی

\*مجله اقتصاد اسلامی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

## مقدمه:

مربوط به مسائل مالی بودند نمایه زنی شدند. پس از آن آیات مشخص شده بار دیگر مورد تدبر واقع شده و با مراجعه به تفاسیر معتبر شیعی مورد تدقیق واقع شدند. پس از این مرحله با کنار هم قرار دادن و دسته بندی آیات مربوط به مباحث اقتصادی، گزاره های درجه دویی تولید شدند که توسط روایات معصومین [مورد تایید قرار گرفتند.

با بررسی آیات قرآنی مربوط به مباحث مالی، میتوان آنها را به سه دسته کلی تقسیم نمود:

۴. انفاق مردمی در جهت رفع نیازهای نهادهای مردمی با اولویت تقویت پیوندهای رحمی - ولایی
۵. سالم سازی فضای اقتصاد
۶. کنترل و مدیریت فاصله طبقاتی و مصارف عمومی توسط حاکمیت

از بین این سه مورد، مورد اول اهمیت بیشتری دارد، به نحوی که نشانگر اصل اقتصاد قرآنی است. دو مورد دیگر در حقیقت تسهیل گر و کمک کننده در راستای شکل گیری فضای مورد اول هستند. در ادامه به توضیح هر یک از این موارد می پردازیم:

### الف. انفاق مردمی در جهت رفع نیازهای نهادهای مردمی با اولویت تقویت پیوندهای رحمی - ولایی

آیات قرآن کریم مسائل مربوط به اقتصاد را مانند هر حیطه اجتماعی دیگری در دو قسمت مطرح میفرماید:

اول بخش نرم افزاری و برنامه ای و دوم بخش سخت افزاری و ساختاری. صحبت از اقتصاد اسلامی بدون در نظر گرفتن هر دو این موارد ما را به نقطه مطلوب نخواهد رساند. لذا در ادامه بحث را ضمن دو قسمت برنامه ای - نرم افزاری - و ساختاری - سخت افزاری - پی می گیریم:

از مهمترین اصول راهبردی اسلام در عرصه های سیاسی - اجتماعی مشارکت مردمی است تا جایی که خدای متعال هدف از ارسال رسل و انزال کتب را قیام مردم برای برپایی قسط معرفی میفرماید: **لَقَدْ آرَسْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید: ۲۵).**

بر همین اساس انقلاب اسلامی که هدف خود را نیل به اغراض شریعت میداند، مردم سالاری دینی را از اصلی ترین شعارهای خود قرار داده و تا حدودی توانسته آن را در عرصه سیاسی به ظهور برساند که مشارکت در انتخابات از آن جمله اند. این در حالی است که حکمرانی اسلامی مشارکت مردم در همه زمینه ها را میطلبد و به همان میزان به سیاست وزن دهی میکند که برای عرصه های دیگر از جمله اقتصاد ارزش قائل است. متأسفانه انقلاب اسلامی در عرصه هایی مانند اقتصاد، الگوی مناسبی جهت مشارکت مردم و ایفای نقش ایشان ارائه نکرده و صرفاً به تبعیت از الگوهای غربی اکتفا نموده است.

با بررسی آیات و روایات به نظر میرسد مردمی شدن اقتصاد از محوری ترین مباحث اقتصاد اسلامی است. اصل کنش اقتصادی در جامعه بر عهده مردم است و حاکمیت نیز اگر نقشی در اقتصاد دارد، در راستای ایجاد مقتضی و رفع مانع برای اقتصاد مردمی است. متأسفانه امروز اقتصاد انقلاب اسلامی به تبع فضای سرمایه داری غرب از این هدف دور شده و ضروری است به مرور باز بین بردن کانون های ثروت که حکمرانی را به نفع طبقات خاصی رقم زده، اقتصاد نیز به سمت مردمی شدن حرکت کند.

هدف نگارندگان از این نگاهشسته آن است تا با بررسی آیات قرآن کریم به اقتصاد مطلوب قرآنی و ساختار متناسب با آن نائل آمده و در ادامه این فرضیه را مستظهر به روایات اهل بیت [کنند تا بتوانند الگویی مناسب جهت تحقق اقتصاد اسلامی ارائه دهند.

روش انجام کار در این مقاله به این صورت است که ابتدا آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفتند و آیاتی که

## جایگاه انفاق در جامعه ایمانی

قرآن کریم اصل کنش های مالی جامعه ایمانی را بر پایه انفاق می‌داند. انفاق در لغت به معنای کم شدن و نابود شدن است و اصطلاحاً به اعطای مال یا هر چیز دیگری در راه خدا اطلاق می‌شود که اعم از صدقات و تبرعات است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۸۱۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ص ۳۵۷). این کلمه در قرآن کریم هم در معنای لغوی و هم در معنای اصطلاحی استعمال شده و به دو قسم واجب و مستحب تقسیم می‌شود. خدای متعال در آیات مختلفی از قرآن کریم اصل کنش مالی انسان مومن را انفاق معرفی می‌کند و او را به این موضوع ترغیب و تشویق می‌نماید. در یک تقسیم ابتدایی، قرآن کریم کنش های مالی انسان ها را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند:

۷. دسته اول کنش هایی هستند که با کلیدواژه هایی مانند «بیع»، «شراء» و «تجارت» بیان شده اند و بیانگر تعاملات و تبادلات انسان عرفی امروزی و سود محور است. در حقیقت خدای متعال از این کلیدواژه ها همان معنای مادی و داد و ستد عرفی را قصد نموده که با یا گزاره های ارزشی خنثی و عباراتی کلی از کنار آنها گذشته است، مانند: **أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا** (بقره: ۲۷۵) یا این دسته از الفاظ را با تذکیرات و تذکرات شدیدی همراه فرموده است (جمعه: ۱۱).

۸. دسته ی دوم کنش های مالی انسان کنش هایی هستند که با کلیدواژه هایی مانند «احسان»، «ایتاء»، «اعطاء» و «انفاق» بیان شده اند. این دسته از کلیدواژه ها مربوط به تبادلات مالی انسان مومن است. برخلاف آنچه در دسته قبل گذشت، این تعاملات مالی همواره با گزاره های ارزشی مثبت و تشویق و تاکید و تحریض همراه است (بقره: ۱۹۵؛ بقره: ۱۷۷؛ لیل: ۵-۷؛ نساء: ۳۶). در انفاقات آنچه اهمیت زیادی دارد هدف آن است که در ادبیات دینی با عنوان نیت از آن یاد می‌شود. انفاقات معمولاً رنگ الهی دارند و جهت پر کردن خلای در جامعه

ایمانی انجام می پذیرند و هرچند با نگاه مادی ضرر و خسران به حساب آیند، اما در حقیقت برآیند سود مادی و معنوی آنها، قابل مقایسه با دیگر کنش های مالی نیست. انفاق دایر مدار سود مادی نیست که هر جا سود بیشتری عائد شخص شد، کنش مالی صورت گیرد، بلکه محوریت آن با قرب الهی است. انسان مومنی که در اجتماع مسلمین دست به انفاق میزند هدفی جز تحصیل رضایت الهی ندارد هر چند در کنار این فعالیت اقتصادی، سودی مادی نیز نصیب او بشود. اگر بخواهیم معادل این نوع از کنش مالی در اقتصاد امروزی را بیان کنیم، میتوانیم به اقتصاد بخش سوم اشاره کنیم. اقتصاد بخش سوم در حقیقت فعالیت های اقتصادی عام المنفعه ای هستند که افراد در آن به صورت داوطلبانه کنش های مالی غیرانتفاعی و خیرخواهانه انجام میدهند.

باتوجه به آنچه گذشت و مراجعه به آیات هرکدام از این دو دسته، به نیکی روشن میشود که اقتصاد مطلوب قرآنی، از جنس دسته ی دوم است. این گزاره همچنین از فراوانی دستورات قرآنی به کنش هایی از جنس دوم جهت رسیدن به ایمان واقعی، قابل برداشت است (حدید: ۷).

قابل توجه آنکه روایات زیادی دال به این موضوع وجود دارند که بررسی آنها از رسالت این نگاشته فراتر است. به عنوان نمونه تنها به یک روایت شریف اشاره میکنیم که کنش های مالی مومنین در عصر ظهور را بیان میکند. این روایت از آن جهت مورد استناد است که عصر ظهور، عصر تجلی تام دین الهی است و اگر گزاره ای در مورد آن بیان میشود قطعاً نذر شارع مطلوبیت دارد:

علی بن سالم میگوید از پدرم شنیدم که گفت: از امام صادق {از خبری که روایت شده، که هر کسی اعتمادش بر رهن و گرو بیش از اعتمادش بر مومن باشد پس من از او بری هستم، پرسیدم. حضرت فرمودند: این در زمانی است که حق ظاهر شود و قائم ما اهل بیت قیام کند، گفتم: پس خبری که روایت شده که ریح مومن بر مومن

ربا است و نباید از او سود بگیرد، معنای این خبر چیست؟ پس فرمودند: این در زمانی است که حق ظاهر شود و قائم ما اهل بیت قیام کند، و اما امروز اشکالی ندارد که به برادر مومنش بفروشد و سودی هم بگیرد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ص ۳۱۳).

نامناسب مانند ساختار دولتی سخنی گزاف است. اقتصاد با محوریت شبکه‌های خویشاوندی را میتوان از مجموعه آیاتی که در آن اولویت مستحقین دریافت انفاقات را بیان میکند استنباط نمود که در ادامه به برخی از آنها اشاره میکنیم:

## ساختار مطلوب اقتصاد قرآنی

احکام الهی مانند سایر برنامه‌های زندگی، نیازمند ساختار مناسب خود جهت بازدهی حداکثری است. این احکام اغراض و اهداف مشخصی را دنبال میکنند و اگر بدون در نظر گرفتن ساختار مناسب اجرایی شوند، یا بازده مطلوب را نخواهند داشت و یا به صورت حداقلی مطلوب محقق خواهد شد.

به نظر میرسد طبق تصویر قرآن کریم شریان‌های اصلی به گردش درآمدن اموال در جامعه اسلامی شریان‌های رحمی-ولایی هستند. این مردم هستند که اصل کنش‌های اجتماعی را به دوش می‌کشند و کنش‌های مالی ایشان نیز در همین راستا ذیل ساختار «شبکه‌های خویشاوندی» انجام می‌پذیرد. در حقیقت مباحث اقتصادی اسلام گرهی محکم با مسایل اجتماعی خورده و به عنوان متغیر مهمی در ساحت‌های اجتماعی مدنظر قرار گرفته است.

توضیح آنکه جامعه تشکیل شده از شبکه‌های خویشاوندی متعدد و متکثری که اصل قدرت و ثروت در جامعه به دست آنهاست و طبعاً کنش‌های اجتماعی نیز توسط ایشان انجام می‌پذیرد. این شبکه‌های خویشاوندی، ضمن رابطه عرضی که با یکدیگر دارند، رابطه ای طولی با رسول، و خاندان او نیز برقرار میکنند. نقطه مطلوبی که از آیات قرآن برداشت میشود این است که جمع‌های خانوادگی، خاندان رami سازند و این خاندان‌ها که به صورت شبکه‌های خویشاوندی خود را ذیل ولی جامعه تعریف میکنند، شروع به تصمیم و کنش واقعی در اقتصاد جامعه میکنند. در این جامعه است که اقتصاد مردمی شکل میگیرد و به معنای واقعی کلمه مردم میتواند در اقتصاد تاثیر بگذارند و الا سخن از اقتصاد مردمی با وجود ساختارهای

۱. لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقره: ۱۷۷)
۲. يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَا أَنفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ وَاللَّذِينَ الْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (بقره: ۲۱۵)
۳. وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (نساء: ۳۶)
۴. وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (اسراء: ۲۶)
۵. فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (روم: ۳۸)
۶. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نحل: ۹۰)
۷. وَلَا يَأْتِ الْاُولُو الْاَفْضَلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ اَنْ يُؤْتُوا اُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَلِيَعْفُوَاْ وَلِيَصْفَحُوْا اَلَا تَحِبُّوْنَ اَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ (نور: ۲۲)
۸. وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ

بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ  
وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ  
تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا لَاقِلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ (بقره: ۸۳)

مشخص است که در تمام آیات پیش گفته، والدین و اقربین در اولویت انفاق شوندگان هستند. باید دقت داشت که کلام قرآن، کلام وحی بوده و کلمه به کلمه آن قابل استناد است. لذا وقتی خدای متعال کلامی را هر چند به صورت تک گزاره بیان میفرماید، این کلام قابلیت استنباط حکم شرعی دارد چه برسد به اینکه مطلبی را با فراوانی زیادی بیان کرده باشد. در این آیات می بینیم که اولویت شبکه های خویشاوندی در انفاق با فراوانی قابل توجهی در آیات موجود است. لذا با توجه به این آیات میتوان ادعا نمود که اولویت در انفاق ابتدا شبکه های خویشاوندی هستند که در راس آن والدین قرار دارند. از ثمرات این نگاه آن است که در صورت تعارض میان انفاق به خویشاوند و غیر خویشاوند در جایی که حیات شخص وابسته به این انفاق نیست و چیزی که انفاق میشود فقط برای یک نفر کافی است، اولویت با خویشاوند است هر چند اوغنی تر از غیر خویشاوند باشد. این در حالی است که امروزه اولویت سنجی انفاق بر اساس نیاز صورت میگیرد و نه قربت (شکرانی/سیدناری، ۱۳۹۶). لازم به ذکر است از آنجایی که لفظ «انفاق» در آیات پیش گفته به صورت مطلق آمده است منحصر در تبرعات و صدقات نیست و حتی تامین مالی و مشارکت رانیز شامل میشود.

البته باید توجه داشت که ساختار اقتصادی جامعه اسلامی، منحصر در خاندان ها نیست بلکه ساختارهای دیگری نیز وجود دارند که هر کدام نقشی ایفا میکنند. توضیح آنکه در اجتماع مطلوب لایه های حمایتی متفاوتی برای یک فرد تصویر میشود که از خانواده و خاندان شروع شده و تا حاکمیت ادامه پیدا میکند. با مراجعه به نصوص در می یابیم که اولین لایه حمایتی شخص در جامعه خانواده است. چنانچه خانواده نتوانست شخص را تامین کند، در لایه ی بعد خاندان قرار دارد. پس از آن نوبت به لایه های بعدی از جمله همسایگان و برادران ایمانی میرسد و در صورتی که هیچ یک از این لایه های حمایتی جوابگوی

شخص نباشند حاکمیت وظیفه تامین این فرد را برعهده دارد. این حمایت ها صرفا در مباحث پولی و مالی ختم نمیشوند و حتی در لایه تامین اجتماعی نیز سریان دارند. در حقیقت میتوان ادعا نمود کلیه ساختارهای کلان اقتصادی امروز اعم از بانک و بورس و بیمه به صورتی غیر متمرکز و اشباع شده در همین لایه های حمایتی تعریف میشوند. روایت ذیل به خوبی این لایه ها را تبیین میفرماید:

«مردی را نزد امیر مؤمنان علیه السلام آوردند که از روی خطا شخصی را کشته بود، حضرت پرسیدند: خویشان و خاندان تو چه کسانی هستند؟ مرد گفت: من در این دیار خویش و قومی ندارم. حضرت فرمودند: از اهل کدام دیار هستی؟ عرض کرد: از اهل موصل هستم و در آنجا خویشان و بستگانی داشتم. امام [تحقیق فرموده و او در کوفه خویش و فامیلی نداشت. راوی میگوید: پس حضرت به عامل خود در موصل نامه ای نوشت بدین صورت که فلان کس پسر فلان شخص که خصوصیاتش چنین و چنان است مردی از مسلمانان را به خطا کشته است، و اظهار میدارد که او از اهل موصل است و در آنجا خویشان و خانواده دارد، و من اکنون او را به همراه فلانی فرزند فلانی به خصوصیات و نشانی چنین و چنان به نزد تو فرستادم. چون بر تو وارد شدند به یاری خداوند، و کتاب مراقرات کردی در باره او تفحص و جستجو کن و بپرس از اینکه آیا خویشاوندی از مسلمین دارد یا نه؟ و چنانچه از اهل موصل بود در آنجا خویشان مسلمانی داشت که در موصل به دنیا آمده اند پس کلیه آنها را نزد خود بخوان، سپس بنگر آیا میان آن جماعت مردی هست که از او ارث برد از آن سهامی که در کتاب خداوند برای میراث خواران معین فرموده که دیگری وی را از آن باز نمی دارد؟ پس او را ملزم به پرداخت دیه مقتول بدار، و از وی به تدریج تا مدت سه سال بستان، و چنانچه در آنجا خویشاوندی که ارث بر از سهامی که در کتاب خدا معین شده است ندارد، و خویشان موجودش همه در یک طبقه هستند، پس همه دیه را بر خویشان پدری و مادری او از مردانی که به سن بلوغ رسیده اند و مسلمانند



اعطای تسهیلات گذاشته شده که هنوز هم جوابگو نیست و بعضاً تسهیلات به افرادی که واجد شرایط نیستند پرداخت میشود، این در حالی است که در تصویر مطلوب، افرادی که به لایه حمایتی حاکمیت میرسند واقعا به حمایت او محتاج بوده و از طرف دیگر نیز حاکمیت میتواند وظیفه خود را به صورت صحیح و کامل انجام دهد.

در کتاب شریف وسائل الشیعه بابی داریم تحت عنوان:

«بازپرداخت دین مومنی که تنگ دست است از سهم غارمین یا غیر آن بر امام واجب است، البته در صورتیکه این شخص مال را در راه طاعت خداوند خرج کرده باشد. و این حکم در مورد مهریه زنان جاری نیست» (حُرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص: ۳۳۵).

این باب حاوی روایاتی است که دلالت بر وجوب حمایت مالی اشخاص در لایه های حاکمیتی دارد و این مهم امکان پذیر نیست مگر با ساختاری مناسب مانند آنچه در الگوی فوق گذشت.

## شواهد دال بر ساختار مطلوب اقتصادی

به غیر از موارد فوق، برخی آیات هستند که میتوان به عنوان شاهد به آنها استناد کرد:

### آیات ارث و وصیت

با بررسی آیات مربوط به ارث و وصیت، اولویت والدین و اقربین به خوبی برداشت میشود که نشان دهنده محوریت شبکه های خویشاوندی در یکی از مهمترین کنش های مالی است (بقره: ۱۸۰؛ نساء: ۷-۱۳؛ نساء: ۳۳).

خدای متعال در این آیات پس از بیان طبقات ارث آن را از حدود الله میخواند. حدود الله خط قرمزهای الهی هستند که خدای متعال به شدت افراد را از آن تحذیر داده و حتی از نزدیک شدن به آن ها پرہیز میدهد. همچنین افراد را ترغیب میکند که در جلسات مربوط به ارث، نزدیکان و خویشان خود را فراخوانند و به نیکی در مورد

توزیع کن. بدین صورت که بر خویشان پدری دو سوم و بر خویشان مادری یک سوم دیه را مقرر داری، و اگر خویشاوند مادری نداشت، پس آن دیه را به خویشان پدری او از مردان مسلمان تقسیم کن و آنان را به پرداخت آن تا مدت سه سال مأمور ساز، و اگر خویشی نه از جانب پدر و نه از جانب مادر نداشت، پس دیه را بر اهل موصل آنان که در آنجا به دنیا آمده و در همان جا زیست و پرورش یافته اند توزیع کن و دیگران را در آنها داخل مساز، و دیه را به تدریج تا مدت سه سال در سه نوبت از آنان بستان تا تماماً اخذ شود به امید خداوند، و اگر برای آن شخص خویشانی از اهل موصل نبود، و خود او نیز از اهل آنجا نشد و بیهوده می گفت، پس او را با فرستاده ام فلانی بازگردان به یاری خداوند، و من خود ولی اویم و از جانب او دیه را می پردازم و نمی گذارم خون مرد مسلمانی پایمال گردد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص: ۳۶۴).

متاسفانه امروزه در الگوی دولت-ملت مدرن همه موارد حمایتی فوق به دست حاکمیت داده شده که این موضوع قطعاً مطلوب نبوده و حتی با احکام الهی نیز سازگاری ندارد... برای مثال در فقه اسلامی دیه قتل خطا به عهده عاقله گذاشته میشود (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰، ص: ۳۰۷)، به این معنا که اگر کسی از روی خطا و نه عمد شخصی را به قتل برساند عاقله او باید دیه را پرداخت کنند. محقق حلی در تعریف عاقله میگوید:

«عاقله انسان به ترتیب چهار دسته اند: اول: عصبه که خویشاوندان شخص می باشند، دوم: معتیق یعنی آزاد کننده او، سوم: ضامن جریره، چهارم: امام. این چهار دسته به ترتیبی که ارث می برند ضامن جنایات خطائی انسان می باشند.» (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص: ۳۷۱).

پرواضح است که اجرای این حکم الهی متوقف بر وجود ساختاری مناسب است که امروز فاقد آن هستیم. بسیاری از مشکلاتی که امروزه نهاد های حاکمیتی با آن مواجه هستند نیز معلول عدم وجود این ساختار قرآنی است. برای مثال روش های اعتبارسنجی مختلفی برای

آنان وصیت کنند. این عبارات، نشانگر اهمیت رعایت حقوق خویشاوندان و اقربین و محوریت کنش های مالی با ایشان است تا جایی که اگر کسی به نیکی وصیت نکند و میراث خود را تقسیم ننماید، وصیت او نافذ نبوده و باید اموال او تحت قواعد الهی بین خویشاوندانش تقسیم گردد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ص ۱۱).

جالب توجه آنکه در ابتدای هجرت پیامبر، تقسیم ارث بر اساس عقد برداری صورت میگرفت تا اینکه این حکم منسوخ گشته و در پایان سوره مبارکه انفال دستور تقسیم ارث بر اساس قرابت خونی نازل گردید که این مطلب نیز خود شاهد دیگری بر مدعای ماست (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۹: ص ۱۴۲).

لازم به ذکر است که خویشاوندان نسبی بر پایه زاد و ولد شکل گرفته و نسبت به میت در سه طبقه قرار میگیرند. تازمانی که یک وارث از طبقه پیشین وجود داشته باشد نوبت به ارث طبقه بعدی نمی رسد. سهم افراد موجود در هر طبقه نیز در فقه اسلامی، مشخص شده است که به نیکی میتوان از آن جهت اولویت دهی انفاقات در لایه های درون خویشاوندی استفاده نمود.

## آیات مربوط به تکافل اجتماعی

از دیگر مواردی که قابلیت استشهاد دارند، آیات مربوط به تکافل اجتماعی است. خدای متعال تامین اجتماعی را در لایه اول به عهده شبکه خویشاوندی میگذارد که به سبب وجود قرابت و دلسوزی، حتما بهترین نقش را در این زمینه ایفا میکنند. جالب آنکه جملگی موارد مورد اشاره امروزه به دست حاکمیت داده شده و به دلیل عدم رعایت اولویت پیش گفته، شاهد عدم بازدهی مطلوب این موارد هستیم. در ادامه به چند نمونه از موارد تکافل اجتماعی در لایه های خاندانی که مورد توجه قرآن کریم است اشاره میکنیم:

### ۱. ایتام و زنان بیوه

■ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْعَمَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ

بِالْمَعْرُوفِ لَا تَكْلَفُ نَفْسٌ إِلَّا أَوْسَعَهَا لَا تَضَارُّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (بقره: ۲۳۳)

در این آیه حکم حمایت از زن و طفل شیرخواره بیان میشود. این وظیفه مرد است که در طی دوران شیردهی از ایشان حمایت نیکو داشته باشد. البته با توجه به اینکه این آیه شریفه در سیاق طلاق بیان شده، میتوان این آیه را در فضای جدایی زن و مرد از هم نیز معنا کرد. در ادامه آیه خدای متعال این وظیفه را در صورت فوت مرد، بر عهده وارث او گذاشته است. با توجه به اینکه در شریعت اسلامی، وارث از خویشان میت است میتوان نتیجه گرفت در صورت بیوه شدن زن یا یتیم شدن طفلی، وظیفه نگهداری و رفع نیازهای ایشان در اولویت اول به عهده خویشاوندان اوست.

■ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَجَنِينَ (۸) وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (۹) وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰) فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (۱۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (۱۲) فَكَيْ رَبِّي (۱۳) أَوْ لِيُطْعَمُنِي يَوْمَ ذِي مَسْجِدٍ (۱۴) يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۱۵) أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ (۱۶) (بلد: ۸-۱۶)

در این آیات شریفه میخوانیم که انسان کافر نتوانسته از گردنه ها عبور کند. سپس خدای متعال به بیان گردنه ها میپردازد. یکی از مواردی که به آن اشاره میشود عدم اطعام یتیمی که خویشاوند است بیان میشود. این موضوع آنقدر اهمیت دارد که آیات و روایات بسیاری در مورد آن وارد شده است.

■ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (بقره: ۲۴۰)

زنی که شوهر او از دنیا رفته تا یکسال اجازه دارد در خانه شوهر خود بماند و از آن استفاده کند. این بدان

اقتصاد مطلوب را اقتصاد مردمی تصویر میکند که بر پایه انفاق و با اولویت شبکه های خویشاوندی صورت میگیرد. لذا لایه های حمایتی شخص در جامعه را میتوان به این صورت تصویر کرد:



## ب. سالم سازی فضای عمومی اقتصاد

دومین محور از خطوط اصلی اقتصاد قرآنی سالم سازی فضای عمومی اقتصاد است. تا زمانی که فضای عمومی اقتصاد سالم نباشد، هر چه فعالیت اقتصادی بیشتر باشد جامعه را بیشتر از هدف الهی خود دور میکند. در حقیقت زمانی میتوانیم به نقطه مطلوب الهی نائل آییم که در کنار ایجاد مقتضی، در جهت رفع مانع نیز کوشا باشیم. با توجه به اینکه اصل اقتصاد مردمی و اینکه عمده فعالیت های اقتصادی به عهده مردم است، عمده کنش گران این محور نیز به خود افراد هستند. طبق الگوی پیش گفته از آنجا که اکثر مردم در فعالیت های اقتصادی خود را نافع می دانند، یک نهاد نظارتی خرد و دقیقی به وجود می آید که اجازه تجمیع ثروت از راه های غیر صواب را به کسی نمیدهد. در ابتدا خود شبکه خویشاوندی نظارت دقیقی بر فعالیت های اقتصادی افراد خود دارند و آن ها را از هر گونه بزهی باز میدارند. در این نظام، آبروی شخص آبروی خاندان حساب میشود لذا کلیه افراد سعی میکنند تا از این سرمایه گرانبها حفظ و حراست داشته باشند. در صورتیکه به هر دلیلی مثل ذی نفع بودن کلیه خاندان یا عدم نظارت

معناست که ورثه میت به جای بیرون راندن زن و بد رفتاری با او، تا یکسال وظیفه تامین او در زمینه مسکن را به عهده دارند.

## ۲. ازدواج دادن

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعْيُ أَنْ يُوْتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَا نُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (نور: ۲۲)

این آیه شریفه در سیاق لزوم به ازدواج درآوردن صالحین جهت جلوگیری از فساد اجتماعی است. بر اساس سیاق، از این آیه شریفه این مطلب برداشت میشود: کسانی که از نعمات الهی برخوردار هستند و توانایی به ازدواج درآوردن جوانان را دارند، وظیفه دارند جهت جلوگیری از فساد و تباهی اجتماعی، جوانان خویشاوند خود را به ازدواج افراد شایسته درآورند.

## ۳. زنان مطلقه

أَشْكُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَنْظَرُوهُنَّ لِيُضْفَیْهُنَّ عَلَيْنَّ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ فَانكِحُوا عَلَیْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَانْكُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَ أَمْرًا بِأَبْنَائِكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فِى صَرْحِهَا لِأَخْرَى (۶) لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُئْتِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْفُلُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَاتَهَا سَيِّعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عَشْرٍ يُسْرًا (۷) (طلاق: ۶-۷)

در صورت جدایی زن و مرد از یکدیگر، به هیچ وجه اعضای آسیب پذیر خانواده مانند زن و فرزند نباید آسیبی را متحمل شوند. لذا پس از طلاق تا زمانی که عده ای زنان تمام شود، باید اجازه زندگی در همان خانه ای که شخص زندگی می کند را داشته باشند. شخصی که توانگر است به نسبت خود و شخصی که فقیر است نیز به اندازه خود باید کفالت این زن را به عهده بگیرند تا او دچار آسیب نشود.

با توجه به توضیحات پیش گفته روشن میشود قرآن کریم

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (توبه: ۳۴)

هر چند در روایات اهل بیت [مصادیقی مانند قمار برای اکل مال بالباطل بیان شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص: ۱۲۲)، لکن میتوان از عموم آیات استفاده نمود و هر آنچه مصداق خوردن مال مردم باشد را به این آیات تطبیق نمود. برای مثال مسائلی مانند خلق پول میتوانند مصداق امروزی این آیات شریفه باشند. ربا نیز از دیگر مواردی است که با تجمیع ثروت در یک طرف معامله، طرف دیگر را فقیرتر میکند و از این طریق توازن اقتصادی جامعه را برهم میزند. لذا مردم و حاکمیت وظیفه دارند جهت داشتن اقتصاد مردمی سالم، جلوی هر آنچه موجب از بین رفتن اموال میشود را بگیرند.

یکی از راه‌هایی که خدای متعال جهت مبارزه با مفسدات اقتصادی معرفی کرده و بازدارندگی زیادی دارد اجرای حدود به مفسد است. در حقیقت مجازات‌های سنگینی در انتظار کسانی که به هر نحوی در پی به هم زدن نظم اقتصادی جامعه هستند وجود دارد که بازدارندگی آنها بسیار زیاد است. برای مثال کسی که به جای کنش سالم اقتصادی به سرقت روی می آورد، قطع ید میشود تا از این طریق جلوی مابقی کنش‌های غیر مطلوب نیز گرفته شود (مائده: ۳۸).

نکته ای که در مورد این محور وجود دارد آن است که نظارت و تسهیل‌گری حاکمیتی جهت پیش برد اهداف اقتصاد مردمی و سالم سازی فضای اقتصادی جهت کنش‌های سالم اقتصادی، نقش ویژه ای داشته و با توجه به اختیارات تشریعی حاکمیت، باید در این زمینه به کمک مردم می‌آید. توضیح آنکه اجرای حدود و کیفر نمودن متخلفان و مجرمان پس از محکوم شدن آنان، نوعی سلطه و ولایت بر اموال و نفوس دیگران می‌باشد و اصل و قاعده اولیه، عدم سلطه شخصی بر دیگری است (نجفی، ۱۴۲۲: ص: ۱۵). لذا ثبوت چنین ولایتی برای کسی نیاز به دلیل دارد. متیقن از آیات و روایات آن است

دقیق، این مهم در لایه خاندانی اجابت نشد، لایه‌های بعدی وظیفه نظارتی خود را انجام داده تا یک نحوه افزایشی در راستای سالم سازی فضای اقتصاد اتفاق بیفتد. دلیل بر این مدعا خطابات قرآنی ناظر به سالم سازی فضای اقتصادی است که عموم مردم را شامل میشود و صرفاً ناظر به نهادی مانند حاکمیت نیست.

توضیح آنکه در لسان قرآن کریم تفاوت وجود دارد در اینکه خدای متعال امری را متوجه عموم مردم کند یا اینکه آنرا به پیامبر گرامی اسلام، مخاطب کرده و از طریق ایشان سایر مردم را متوجه این خطاب کند. برای مثال به نظر میرسد حکم حجاب متوجه پیامبر، شده و از این طریق میتوان ادعا نمود که نظارت بر این امر به عهده حاکمیت است (نور: ۳۱).

گاهی نیز خدای متعال عموم جامعه را متوجه امر کرده و از آنها میخواهد که دستوری را اجرا نمایند. آیاتی که دال بر سالم سازی فضای اقتصادی است از همین نوع اند. خدای متعال از عموم افراد میخواهد نظارت پیوسته ای ناظر به افراد جامعه که طبق الگوی اجتماعی مابین نظارت ذیل شبکه‌های خویشاوندی انجام میشود - داشته باشند و از این طریق اجازه پدید آمدن مشکلات اقتصادی را به حداقل برسانند.

از جمله موانعی که قرآن کریم عموم جامعه را نسبت به آن آگاه کرده و ایشان را به شدت از آن نهی فرموده و وعده عذاب به آن داده است، مساله «اکل مال بالباطل» و «ربا» است. در این مورد به آیات زیر اشاره میکنیم:

۱. وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره: ۱۸۸)

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (نساء: ۲۹)

۳. وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (نساء: ۱۶۴)

دارد: **وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (نساء: ۳۳)**. جالب توجه آنکه سیره رسول خدا، در اداره مدینه نیز شاهدهی بر الگوی پیش گفته است. پیامبر گرامی اسلام، جهت ساماندهی امور از قبل از هجرت به مدینه الگوی نقیب و عریف را پیاده فرمود؛ به این صورت که مدینه را بر اساس قبایل به چند ناحیه تقسیم کرد و برای هر ناحیه یک نماینده از همان قبیله انتخاب نمود که نقیب و عریف نام داشتند و در حقیقت رابط میان مردم و حاکمیت به حساب می آمدند. این سامانه ذیل نظام ولایت رسول الله، فعالیت میکرد و تبعیت محض نسبت به آن حضرت داشت (مجلسی، ۱۱۱۰ق، ج ۱۹: ص ۱۳).

لازم به ذکر است فقه اسلامی نیز ظرفیت این گونه حکمیت خرد را داشته و مباحثی که تحت عنوان قاضی تحکیم در فقه مطرح میشود میتواند این الگورا به اجرا نزدیک تر گرداند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ص ۲۴۱).

### ج. کنترل و مدیریت فاصله طبقاتی و مصارف عمومی توسط حاکمیت

سومین محور از خطوط اصلی اقتصاد قرآنی مربوط به وظایف مستقیم حاکمیتی است. مردم وظایفی مالی نسبت به حاکمیت دارند و انجام این وظایف حقوقی را برای ایشان ایجاد میکند. از جمله وظایف حاکمیتی می توان به کنترل و مدیریت فاصله طبقاتی اشاره کرد. حاکمیت با اخذ مالیات های اسلامی اجازه تجمیع ثروت و مفساد تابع آن را نداده و در عین حال با تزریق اموال به مستضعفین و کسانی که به لایه حمایتی حاکمیتی رسیده اند، جامعه را به توازنی که عموم مردم از زندگی قابل قبولی برخوردارند، میرساند. در ادامه به بیان مواردی که در قرآن کریم ناظر به تامین مالی حاکمیت بیان شده است، میپردازیم و مصارف هر کدام را بر اساس آیات قرآنی اشاره مختصری میکنیم:

که تنها پیامبر، و امامان معصوم هستند که حق اجرای حدود را دارند و سیره ایشان در اجرای حدود نیز شاهد دیگری بر اثبات این حق برای آنان است. اما ثبوت این سلطه برای دیگران و بدون اذن ایشان، مورد خدشه بوده و اصل، عدم آن است. طبق مبانی شیعی در فرض عدم اذن صریح - به طور خاص - و عدم امکان دسترسی به امام معصوم - مانند زمان غیبت - حق اجرای حدود، برای حفظ نظام کشور و امنیت جامعه، فقط برای فقیه جامع الشرایط ثابت است. لذا اگر در این مقام حدی باید اجرا شود یا اینکه تصرفی در مال غیر صورت گیرد یا... این وظیفه ای است که عقل و شرع آن را به دست حاکم الهی میدهد. حال با توجه به ادله نقلی و عقلی موجود در مقام، نمیتوانیم قائل به اجرای حدود در لایه عموم مردم شویم و باید بگوییم که اگر چه خطاب آیات به صورت عموم و اطلاق وارد شده است؛ یعنی همه افراد جامعه می توانند (و باید) اجرای حد کنند، ولی به طور قطع و یقین منظور آیات، عموم استغراقی که مستلزم هرج و مرج می شود نیست، بلکه مراد عام مجموعی است؛ به این معنا که جامعه اسلامی به عنوان هویت واحد و مستقل موظف است که حدود را اجرا کند.

با توجه به نکات پیش گفته و با ضمیمه نمودن نظام اجتماعی لایه ای که پیش از این بحث شد، میتوان الگویی ارایه داد که ضمن نظارت حداکثری در لایه های خرد توسط عموم مردم، اجرای حدود و نظارت کلی را هم حاکمیت برعهده داشته باشد. به این صورت که حاکمیت در هر شبکه خویشاوندی نماینده ای دارد که خود عضوی کنش گر در همان شبکه نیز هست و با افراد آن شبکه به صورت مستمر و مداوم تعامل داشته و همه خانواده و خویشاوندان او را میشناسد. این شخص وظیفه اجرای حدود و انجام وظایف حاکمیتی را بر عهده دارد و از طرف حاکمیت اجازه تصرفات محدودی را داراست. این نظام مانند آن چیزی است که قرآن کریم در مورد حکمیت میان زن و مرد در موارد اختلاف، آن را پیشنهاد می نماید که قابلیت تعمیم به سایر موارد را نیز

## ۱. خمس

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أُمَّتَكُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّفَقَّى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (انفال: ۴۱)

یکی از موارد تامین مالی حاکمیت خمس است. هر شخصی وظیفه دارد یک پنجم از متعلقات خمس را در اختیار حاکمیت قرار دهد. لازم به ذکر است که در قرآن کریم خمس، ذیل بحث غنیمت که خود جزء انفال است ذکر شده و تفصیلات بیشتر آن در روایات اهل بیت [وارد شده است. موارد خمس منحصر در این مورد خاص نبوده و فقهای عظام با استفاده از دیگر آیات و روایات اهل بیت [موارد آن را بر شمرده اند. لذا از آنجا که هدف این نگاشته تبیین معارف قرآنی است به ذکر این آیه اکتفا کرده و تفصیل بیشتر را به جای خود موکول میکنیم. به صورت کلی شش سهم در آیه مبارکه فوق برای خمس بیان شده است:

■ سهم خداوند که بر پایه روایات به رسول خدا، و امام جامعه تعلق دارد و آنان در هر راهی که صلاح بدانند مصرف می کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۱، ص: ۵۴۴).

■ سهم رسول، که در حقیقت سهم مقام رسالت و امامت جامعه است.

■ سهم ذی القربی که مراد خویشاوندان پیامبر، و بنی هاشم هستند و در رأس آنان اهل بیت [قرار دارند. دلیل بر این موضوع روایات متواتری است که از طرق اهل بیت نقل شده است. باید دقت داشت که «سهم خدا» و «سهم پیامبر» و «سهم ذی القربی» هر سه سهم متعلق به «رهبر حکومت اسلامی» است تا از این طریق نیازهای جامعه و اصنافی که پس از این سه سهم می آید را برطرف سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج: ۷، ص: ۱۷۴).

■ یتیمان

■ مسکینان

■ در راه ماندگان: افرادی که در راه مانده اند و درمانده شده اند.

## ۲. زکات

■ حُدَّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَهُ تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (توبه: ۱۰۳)

از دیگر موارد تامین مالی حاکمیت زکات است. زکات نیز متعلقاتی دارد که نصاب هر یک به تفصیل در فقه اسلامی گفته شده است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج: ۱، ص: ۱۹۰). لازم به ذکر است زکات متداول، در ادبیات قرآنی معمولاً بالفظ «صدقه» به کار رفته است.

خدای متعال مصارف زکات را به نحوی سامان داده تا ابتدا افرادی که به لایه حمایتی حاکمیت میرسند، تامین شده و سپس برخی مصارف عمومی صورت گیرد. مصارف زکات ابتدا فقرا و مساکین را در برگرفته و سپس متصدیان اداره صدقات و مأموران جمع آوری زکات، افرادی که به وسیله کمک های مالی تمایل بیشتری به اسلام پیدا می کنند، آزادی کسانی که برده هستند، ادای دین بدهکاران، هر امری که رضای خداوند در آن باشد و در راه ماندگان در اولویت بعدی قرار میگیرند. قابل توجه آنکه موارد هشت گانه فوق به صورت فریضه ای از جانب خداوند تعیین شده است که این فریضه الهی طبق آیه قرآن کریم برخاسته از علم و حکمت خداوند است و قابلیت تعطیل یا تغییر را ندارد (توبه: ۶۰).

## ۳. فیه

■ وَمَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (حشر: ۶)

فیه در لغت به معنای رجوع و بازگشت و در اصطلاح به معنای مالی است که از کافران بدون کارزار، جنگ و خونریزی عاید مسلمانان میشود

(طوسی، ۱۳۸۷، ق، ج ۲: ص ۶۴).

سهام فیء طبق آیات قرآن کریم شش مورد است که به دلیل مشابهت با خمس، از تکرار آن پرهیز میکنیم. تنها نکته ای که وجود دارد آن است که خدای متعال سهام فقرا در این آیه کریمه را مختص به فقرای مهاجرین و کسانی که در راه خدا به هجرت روی آورده اند، می نماید (حشر: ۷-۱۰).

#### ۴. انفال

■ **يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (انفال: ۱)**

طبق فقه شیعی انفال، غنائم و موهبت های منقول و غیر منقولی است که از جانب خداوند در اختیار پیامبر، و پس از آن حضرت در اختیار امامان [قرار گرفته است. غنیمت های برجسته جنگ ها، قله کوه ها، دریاها، زمین های موات، بستر رودخانه ها و مال بدون وارث از جمله موارد مربوط به انفال است (طوسی، ۱۴۰۰، ق، ص ۱۹۹).

از آنجایی که خمس قرآنی صرفاً انفال و غنائم جنگی را شامل میشود و مانیز در این نگاشته بررسی آیات قرآن را هدف قرار داده ایم، در این مورد به ذکر آنچه ذیل خمس گفته شد کفایت میکنیم و تفصیل بیشتر را به جای دیگری موکول میکنیم.

#### ۵. انفاقات مردمی

■ **وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقْتُ وَأَكُنُّ مِنَ الصَّالِحِينَ (منافقون: ۱)**

در برخی مقاطع خاص خدای متعال به مومنین دستور انفاق به حاکمیت را میدهد. برای مثال آیه پیش گفته در فضایی نازل شده که منافقین رسول خدا، و مومنین را در حصر اقتصادی قرار داده و آنها

را تحریم نموده اند. برخی اوقات نیز وقوع جنگ و شرایط سخت آن سبب دعوت الهی به انفاق مردمی است (بقره: ۱۹۵؛ حدید: ۷-۱۱). به طور کلی می توان گفت وقتی حاکمیت الهی در شرایط حاد و بحرانی قرار میگیرد، این وظیفه عموم مردم است تا در تامین نیازهای او کوشا باشند.

برخی روایات کمک به مقام امامت را محبوب ترین کارها نزد خدای متعال می نامند که این کار سبب طهارت و تزکیه شخص پردازنده نیز میشود (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۱: ص ۵۳۷).

با توجه به مطالب پنج گانه فوق، روشن میشود که خدای متعال با طراحی سیستمی دقیق، از ایجاد هرگونه عدم توازن در زمینه اقتصاد جلوگیری کرده است. از طرفی با گرفتن مالیات های نسبی، اجازه شکل گیری قله های ثروت رانده و مخارج حاکمیت را از این راه تامین میکند. از طرف دیگر با کمک رسانی به افراد نیازمندی که به لایه حمایت حاکمیتی رسیده اند، اجازه شکل گیری طبقه ضعیف و نیازمند را نمیدهد و عموم جامعه را در حالتی تعادلی نگه میدارد. لازم به ذکر است بر اساس آیات پیش گفته، اولین و مهمترین وظیفه حاکمیت تامین نیاز قشر نیازمند به حمایت حاکمیتی است و این نکته از تکرار اولویت توجه به فقرا، مساکین و ابن سبیل در آیات فوق نسبت به مابقی وظایف مالی حاکمیتی قابل برداشت است. اهمیت این امر تا آنجاست که طبق روایات، امیرالمومنین { هر جمعه خزانه دولتی را خالی میکرد به نحوی که آنرا آب و جارومی نمود و به هیچ وجه اجازه نمیداد منابع مالی در خزانه جمع شده و متراکم شوند (ثقفی، ۱۴۱۰، ق، ج ۱: ص ۳۱). در اولویت بعدی خدای متعال این اجازه را به حاکم شرعی داده که این اموال را طبق نظر خود به مصارف عمومی جهت تحکیم حاکمیت الهی برساند و هرجایی احساس خلانمود از آن اموال جهت پر نمودن آن خلا استفاده نماید. همچنین گاهی حاکمیت با بحران هایی روبرو میشود که منابع عادی، جوابگوی آن بحران نیست. ساز و کار خدای متعال جهت عبور از این بحران ها، انفاقات مردمی است که این وظیفه علاوه بر وظایف مالی پیشین، بر

به وجود آمدن قله های ثروت یا طبقه ضعیف و نیازمندان را نداده و عموم جامعه را در حد متعادل نگاه میدارد. در کنار این وظایف، مصارفی عمومی جهت تحکیم جامعه الهی نیز بر عهده اوست.

لازم به ذکر است این نگاهشسته شامل کلیت ساز و کار الهی است که از آیات قرآن استنباط شده و چهارچوب نظام اقتصادی جامعه اسلامی را نشان میدهد. جهت روشن شدن جزئیات و تفصیلات این چهارچوب، مراجعه به روایات، قرائن فقهی و حکمی، تاریخ و... لازم و ضروری است.

والحمد لله رب العالمین

عهده مردم است. کسانی که در سایه امنیت و رفاه حاکمیت الهی به اموالی دست پیدا میکنند، در زمانهای بحرانی وظیفه دارند حاکمیت را پشتیبانی نموده و از اموال خود در راستای عبور از بحران استفاده نمایند.

## جمع بندی

بر اساس آنچه گفته شد، به نظر میرسد بتوان الگوی اقتصاد قرآنی را الگویی انفاق پایه در ساختار شبکه های خویشاوندی نام گذاری کرد. خدای متعال جهت حفظ حیات و پویایی جامعه اسلامی، ساز و کار اقتصادی دقیقی را طرح ریزی فرموده که پایبندی به آن جامعه اسلامی را از هر آفتی رهانده و مسیر رشد و تکامل را برای آن فراهم میکند. در این ساز و کار آحاد مردم به عنوان عناصری زنده و پویا وظایف اصلی مالی در جامعه را بر عهده دارند و حاکمیت نیز به کمک آنها می آید تا جامعه به سمت مطلوب حرکت کند.

وظایف آحاد مردم در جامعه اسلامی از لایه های خانواده و خویشان شروع شده و به حاکمیت خاتمه پیدا میکند. در مقابل، این لایه ها به ترتیب نقش حمایتی خود را در قبال شخص ایفا میکنند و او را از هر نظری تامین میکنند تا از این طریق مشکلات اجتماعی و اقتصادی فرد در لایه های خرد و بر اساس تعارف و شناختی که نسبت به او وجود دارد به بهترین شکل مرتفع شود. این لایه ها اگر وظایف خود را به دقت و با حساسیت بالا انجام دهند، اصولاً اکثر مشکلات مالی و حمایتی جامعه اسلامی حل خواهد شد و کم هستند مواردی که نیاز به حمایت های حاکمیتی پیدا کنند.

حاکمیت نیز در جامعه اسلامی وظایفی به عهده دارد که هر چند حداقلی است، اما بسیار تاثیرگذار است. او ضمن حمایت از افرادی که به لایه حمایتی حاکمیت میرسند، وظیفه تسهیل گری و اجرای حدود جهت سالم سازی فضای اقتصاد را بر عهده دارد. همچنین در مدیریت و کنترل فاصله طبقاتی نقش ویژه ای را ایفا میکند و عملاً اجازه





## فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق. من لا یحضره الفقیه. ج ۳. چ ۲. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرّم. ۱۴۱۴ق. لسان العرب. ج ۱۰، چ ۳. تحقیق جمال الدین میردامادی. بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع- دار صادر.
۴. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال. ۱۴۱۰ق. الغارات. ج ۱. چ ۱. تحقیق عبدالزهراء حسینی. قم: دارالکتب الاسلامی.
۵. حرعاملی، محمد بن حسن. ۱۴۹۰ق. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. ج ۱۸. چ ۱. تحقیق موسسه آل البيت. قم: مؤسسه آل البيت.
۶. حلی، نجم الدین. ۱۴۰۸ق. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. ج ۴. چ ۲. تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال. قم: موسسه اسماعیلیان.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق. مفردات ألفاظ القرآن. چ ۱. تحقیق صفوان عدنان داوودی. بیروت: دار القلم- دار الشامیه.
۸. شکرانی، رضا؛ سیدناری، طاهره سادات. ۱۳۹۶. «اولویت سنجی انفاق در قرآن و حدیث»، مطالعات قرآن و حدیث. شماره ۲. صص ۳۹-۶۷.
۹. طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۹۰ق. المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۹. چ ۲. لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۰۷ق. الخلاف. ج ۶. چ ۱. تحقیق علی خراسانی؛ سید جواد شهرستانی؛ مهدی طه نجف؛ مجتبی عراقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن. ۱۳۸۷ق. المبسوط فی فقه الإمامیه. ج ۱ و ۲. چ ۳. تحقیق سید محمد تقی کشفی. تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۰۰ق. النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. چ ۲. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۳. عاملی، زین الدین بن علی. ۱۴۱۰ق. الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه. ج ۱۰. چ ۱. شرح سید محمد کلانتر. قم: کتابفروشی داوری.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق. الکافی. ج ۱ و ۵ و ۷. چ ۴. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۵. مجلسی، محمد باقر. ۱۱۱۰ق. بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار. ج ۱۹. چ ۲. تحقیق جمعی از محققان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۱. تفسیر نمونه. ج ۷. چ ۱۰. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۷. نجفی، حسن بن جعفر بن خضر. ۱۴۲۲ق. أنوار الفقاهه- کتاب النکاح. چ ۱. عراق: مؤسسه کاشف الغطاء.

